



۲۰۲۰/۰۷/۰۲

میر عنایت الله سادات

## سُرور گمشده



عمری ست گشته سُرور از برم جدا  
روزم به یاد گمشده ام شام می شود  
مقهور روزگار و سزاوار غربتم  
نی شمع روشنی که زخم پر به دُور او  
می سوزم از فراق و نیابیم شعله ای  
نشنیده هیچ کس، که در آئین عاشقی  
جسمم به این دیار و روانم به میهنم  
تقدیر روزگار بیفکنده ام به دُور  
گم کرده ام سرور و نیابم به این دیار

یا من شدم به هجر و فتادم ازو جدا  
شامم به فکر صبح نباشد ازو جدا  
افتیده ام به دام و نگشتم ازو جدا  
نی اهل دل که شکوه کنم بهر او جدا  
تا پر زخم به آتش و گردم ز غم جدا  
سوزنده شمع یکسو و پروانه زو جدا  
باور نمیکنی، که بود جان ز تن جدا  
ورنه گمان نبود، که باشم ازو جدا  
یابم سرور آنجا، که از آن شدم جدا

کو دست "عنایت"ی؟؟؟ کز فیوض آن

باشم به کوی خویش و نباشم ز خود جدا

(میر عنایت الله سادات - ۲۰۰۵)

\*\*\*\* \* \* \* \* \*\*\*\*

### تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

سرور گمشده

enayat\_sadat\_sorur\_gom\_shoda.pdf